

یادداشت

چند دهه چالش برای دوبنده تیم ملی

امید توفیقی - کارشناس کشتی

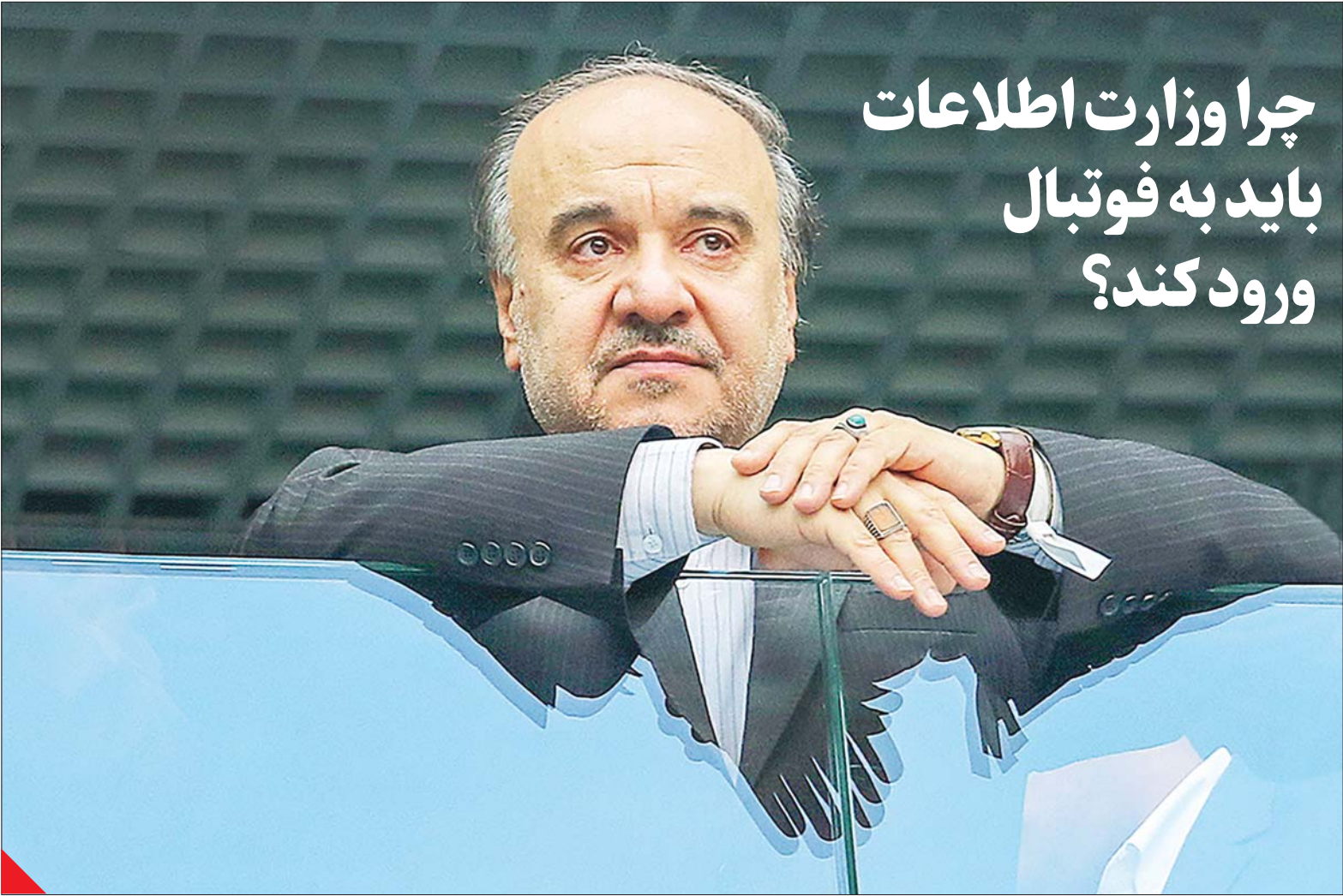
● ورزش قهرمانی یعنی مشقت، سختی، استرس، حرص وجوش خوردن خود و خانواده‌ات، هیجان و گاهی هم از کوره دررفتن؛ سال‌ها این راه را می‌پیمایند به امید رسیدن به قله افتخار و تصور اینکه همه زندگی‌ات با یک نامهربانی یا بهتر بگوییم بی‌عدالتی، تحت تأثیر قرار بگیرد، خیلی خیلی دردناک است و تحمل آن به‌مراتب دردناک‌تر! این بی‌عدالتی هر دلیلی می‌تواند داشته باشد؛ از اشتباهات فردی و داوری بگیرد تا سلیقه فردی مربیان. این شرایط در هر رشته ورزشی به‌ویژه رشته‌های انفرادی غیرگرمردی می‌تواند برای هر ورزشکاری رقم بخورد.
باین‌حال به دلیل قدمت کشتی و علاقه‌ای که مردم ما از گذشته به کشتی داشته‌اند، حساسیت بیشتری دارد و بیشتر در اذهان می‌ماند. این روزها فدراسیون کشتی بر طبل قانون‌مداری برای رسیدن به دوبنده تیم ملی می‌کوبد؛ مثل بسیاری از فدراسیون‌های قبلی. این بار اسم این قانون‌مداری چرخه انتخابی است که در فدراسیون قبلی فرایند انتخابی و پیش‌تر با همان مسابقات انتخابی شناخته می‌شد. مسابقات انتخابی می‌تواند خود باعث ایجاد عدالت در کشتی باشد و اجرای آن نباید کسی را نگران و برآشفته کند. هر فدراسیونی که بتواند این مهم را اجرا کند، بی‌تردید کار بسیار بزرگ و ماندگاری برای کشتی کشور انجام داده است.
علاقه‌مندان به کشتی به‌خوبی از سازوکار انتخابی روس‌ها به‌عنوان پیک‌تاز کشتی دنیا آگاه‌اند و نیازی نیست به آن بپردازیم؛ اما حلقه مفقوده اجرانشدن قانون انتخابی در کشتی را نمی‌توان سلیقه مربیان چند دهه اخیر یا مدیران فدراسیون دانست؛ بلکه این روح نتیجه‌گرایی در ورزش کشورمان است که مانع اصلی بوده است. وقتی همه به دنبال نتیجه‌گیری هستند، طبیعی است که مربی هم تمام دغدغه خود را برای نتیجه‌گیری قرار دهد و مدیر هم در همین مسیر خواهد افتاد. کافی است در یک یا دو رویداد جهانی تیم زیر زمین بخورد، یا هر صدای مربی و مدیر بگوید قانون را رعایت کردیم یا یا نگاه آینده‌نگر جوان‌گرایی کردیم، صدا به جایی نمی‌رسد و روح نتیجه‌گرای ورزش مربی و مدیر را خانه‌نشین می‌کند؛ در چند دهه اخیر چیزی جز این نبوده و ما هم امیدواریم یک بار برای همیشه رسیدن به دوبنده تیم ملی در تمام اوزان تعریف‌شده باشد و حق به حق‌دار برسد. مصداق‌های متعددی از پایمال‌شدن حق کشتی‌گیران مستعد در این دهه‌ها تا قربانی‌شدن مربیان و مدیران خوب کشتی وجود دارد و امیدواریم فدراسیون کشتی این بار بتواند هم سلیق و دغدغه‌ها در همراهِ خود کند و هم روح نتیجه‌گرا را با نیروی عدالت و نگاه آینده‌نگر خود ضربه‌فنی کند....

درپچه

خط قرمز تمرین و مسابقه جز در ۳۰ رشته

● انجام تمرین و مسابقه جز در ۳۰ رشته ورزشی کماکان ممنوع است و با هرگونه تخطی در این رابطه به صورت جدی از سوی متولیان ورزش کشور برخورد می‌شود. به گزارش ایسنا، ستاد مقابله با گسترش کرونا در ورزش در آخرین اطلاعیه خود اعلام کرد رشته‌های ورزشی تیئیس، تیئیس روی میز، دارت، پتاک، شطرنج، وزنه‌برداری، بدنپتون، قایق‌رانی انفرادی، دوومیدانی، اسکیت، بولینگ، تیراندازی، تیراندازی با کمان، سوارکاری، اتومبیل‌رانی و موتورسواری، دوچرخه‌سواری، کوه‌نوردی، گلف، جهت‌یابی، اسکی، پیاده‌روی، بازی‌های فکری، طناب‌زنی، ورزش‌های طبیعی، ماهیگیری و ورزشی، فریزبی، یوگا، ورزش تفریحی مهارت فردی و ورزش آمادگی جسمانی فدراسیون ورزش‌های همگانی رشته‌های ورزشی‌ای هستند که فعالیت آنها در شهرهای سفید مجاز است و تمام باشگاه‌ها موظف هستند پیش از آغاز فعالیت در سامانه سلامت وزارت بهداشت ثبت‌نام کنند. مهدی علی‌نژاد، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان، در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: غیر از رشته‌های ورزشی اعلامی، تعطیلی دیگر ورزش‌ها اعم از مسابقه و تمرین همچنان تا پایان اردیبهشت به قوت خود باقی است. هر موردی در این راستا قوانین را نقض کند، از قانون تخطی کرده و به فدراسیون‌های ورزشی اعلام شده است که این دسته از افراد یا باشگاه‌ها به کمیته انضباطی معرفی شوند. در این رابطه همچنین به صورت ویژه طی نامه‌ای از سوی وزارت ورزش و جوانان به فدراسیون فوتبال اعلام کرده‌ام که با رصد دقیق فعالیت باشگاه‌ها، هرکسی را که قوانین را نقض کند به کمیته انضباطی ارجاع دهد. این در حالی است که روز دوشنبه وزیر ورزش و جوانان در مورد وضعیت سایر رشته‌های ورزشی از جمله فوتبال که همچنان و فعلا تا پایان اردیبهشت انجام تمرین و مسابقات آنها تعطیل است، بیان کرد: تصمیم‌گیری پیرامون رقابت‌های ورزشی از جمله لیگ برتر فوتبال فعلا امکان‌پذیر نیست و درخصوص فوتبال به این نتیجه رسیدیم که این امکان درحال‌حاضر وجود ندارد که زمان شروع لیگ برتر را اعلام کنیم و تصمیم‌گیری در این‌خصوص به زمان بین ۲۰ تا ۲۵ اردیبهشت موکول می‌شود.

چراوزارت اطلاعات باید به فوتبال ورودکند؟



مجید باهنر

ورزش ایران، خاصه فوتبالش، روزهای عجیب‌وغریبی را سپری می‌کند؛ درست در روزهایی که کرونا این رشته را خانه‌نشین کرده، فدراسیون رئیس ندارد و بحث اساسنامه هم مانند سوال بزرگ و مبهمی بر پیشانی‌اش مانده است. این سؤال که چطور با یک اساسنامه تأیید‌نشده هشت سال به صورت غیرقانونی فوتبال اداره شده هم سؤال آن‌قدر مهمی نیست که کسی بخواهد پی‌اش را بگیرد؛ به‌ویژه کسی مثل مسعود سلطانی‌فر، وزیر ورزش که شاید چندان هم دل‌مشغولی این موضوع را نداشته باشد. البته این‌طور نیست که وزیر بی‌خیال فوتبال باشد؛ برعکس محمود دوزدزی، وزیر ورزش قبلی که علاقه زیادی به این رشته ورزشی نداشت، مسعود سلطانی‌فر به همراه پسرش، علاقه‌ای وافر به این رشته دارند. باین‌حال این علاقه آن‌قدر نبوده که وزیر ورزش بخواهد پیگیر موضوعات کلان‌تر باشد تا سایه تعلیق را از سر فوتبال بردارد، هرچند به تازگی با نوشتن نامه‌ای به وزارت اطلاعات، خواسته نشان دهد جلوی فساد در فوتبال را می‌گیرد.

وزیر در تازه‌ترین اقدامش از وزارت اطلاعات خواسته به فعالیت دلال‌های فوتبالی ورود کند تا مانع از این شود که بازیکنان و مربیان بی‌کیفیت خارجی به این رشته بیایند. مشخص نیست منظور وزیر ورزش از دلال‌ها، ایجنت‌های رسمی فوتبال هستند که کار ترانسفر را انجام می‌دهند یا کارچاق‌کن‌هایی که به صورت غیررسمی فعالیت می‌کنند. این موضوع هم شاید چندان اهمیتی نداشته باشد، بلکه همین که شخص وزیر بالاخره از یک جا تصمیم گرفته به نفع حل شیاعیات مربوط به فساد در فوتبال حرکتی کند را باید به فال تیک گرفت.

باوجوداین قبل از رسیدگی به چنین جزئیاتی بهتر است اولین سؤال را وزیر ورزش پاسخ دهد که ایجت‌ها یا به قول ایشان، دلال‌ها، چطور و از چه طریقی بازیکن و مربی به باشگاه‌ها می‌دهند؟ آیا کانالی غیر از مدیراعلمان باشگاه‌ها؟ پاسخ منطقی این است که دلال‌ها از طریق ارتباط با مدیران‌عامل باشگاه‌ها به تیم‌ها بازیکن معرفی می‌کنند؛

حالا سؤال اصلی این است: مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره دو باشگاه بزرگ پایتخت توسط چه کسی معرفی می‌شوند؟ آیا بدون چراغ سبز وزارت ورزش کسی می‌تواند روی صندلی این دو باشگاه بنشیند؟ پاسخ قطعاً منفی است. حالا اگر دلال‌ها از طریق به غیر از این منصوبان، بازیکن به باشگاه می‌آورند که دیگر باید فاتحه مدیریتی که از طریق وزارت ورزش بر دو باشگاه بزرگ به خدمت گماشته شده‌اند را خواند!

برای نتیجه‌گیری مقطعی در همین مورد، شایسته است وزارت اطلاعات به عملکرد همین مدیران ورود کند تا علاوه‌بر قطع‌شدن دست کارچاق‌کن‌های غیرقانونی، جلوی فسادی که بعضاً ناشی از ناکاهی همین مدیران است گرفته شود. اتفاقاً موضوع ورود وزارت اطلاعات به فوتبال همان‌قدر سوزه جذابی است که معمولاً از طرف افرادی که ریگی به گفش ندارند مورد استقبال است؛ اگرچه الان مسعود سلطانی‌فر چنین تقاضایی داشته و خواسته به بحث دلالی در فوتبال ورود شود، پیش‌تر اشخاص دیگری هم از این وزارت درخواست ورود داشته‌اند، ولی برای مواردی متفاوت. قریب به یک سال پیش بود که علی دایی، همان‌وقت‌ها که هنوز ممنوع از فعالیت نشده بود، از وزارت اطلاعات و وزارت اطلاعات سپاه خواسته بود به ورزش و خاصه فوتبال ورود کند. «من تقاضا دارم که کمیته اخلاق و قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه به ورزش ما ورود کنند و از من هم شروع کنند که پول‌هایی که به حساب من و نزدیکان من ریخته می‌شود از کجا ریخته می‌شود. ما از چیزی نمی‌ترسیم. بیایند از من شروع کنند و بعد به سراغ مسائل دیگر بروند. برگردند به سال ۸۹ و ماجرای میلیاردی شرکت پیش‌کسوتان و بحث روغن‌ناتی را رسیدگی کنند که چه اتفاقاتی در آن دوره افتاده است. مسود بلیت‌فروشی و تبلیغات محیطی را بررسی کنند. متأسفانه بعد از بازی‌ها در موقعش که نیست سؤالاتی را می‌کنید که فوتبال ما را به حاشیه می‌برید. این ما را از اصل فوتبال دور می‌کند. من از خدایم است که این ارگان‌ها وارد شوند و کثیف‌کاری‌ها را از فوتبال دور کنند».

کثیف‌کاری‌هایی که دایی از آن حرف می‌زند

موضوعات مهمی است که ظاهراً وزارت ورزش، چندان تلاشی برای حل‌وفصلش نکرده، آن هم درحالی‌که نیمی از ادعاهایی که دایی دارد، به مدیران فوتبالی برمی‌گردد که بسیاری از آنها توسط وزارت مشغول به کار شده‌اند.

از همین یکی، دو سال هم که فاصله گرفته شود، بحث اشتباهی آمدن آدم‌های خاص به فوتبال که همگی با چراغ سبز وزارت بوده، در گذشته هم رایج بوده است؛ مرصاد ۱۳۹۳ بود که علیرضا رحیمی، مدیرعامل وقت باشگاه پرسپولیس، حرف‌های مهمی به «فارس» زد و خواست وزارت اطلاعات ورود کند. «سن یک سؤالی از شما دارم، آقای سیاسی در این مدت مصاحبه‌های متعددی انجام داده است، ولی در کجای دنیا دیده‌اید که یک رئیس هیئت‌مدیره این‌همه مصاحبه کند؟ اصلاً چرا راه دور برویم، مگر ما ۱۶ تیم لیگ‌برتری نداریم، آیا تا به حال دیده‌اید رئیس یا اعضای هیئت‌مدیره تیم‌های حاضر در مسابقات این‌همه مصاحبه کنند، آن هم مصاحبه در جهت تصعیف سرمربی و تیم؟ حتما مصاحبه می‌کنند تا به اهداف خود برسند؛ من روی صحبت‌م با آقایان حاضر در مجلس شورای اسلامی، دولت، قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و مردم است که آهای آقایان! بررسی کنید که حضور برخی از آقایان در هیئت‌مدیره پرسپولیس با چه هدفی است». علیرضا رحیمی هم آن زمان از حضور معنادار برخی از افراد در هیئت‌مدیره‌ها گلایه می‌کرد؛ راستی اعضای هیئت‌مدیره‌ها از چه کانالی وارد باشگاه‌های بزرگ استقلال و پرسپولیس می‌شوند؟

سیاسی یکی از ده‌ها مدیر اشتباهی فوتبال در ایران بود که به قول محمدرضا رحیمی با اهداف خاص به فوتبال آمده‌اند، ولی چرا جلوی ورود این افراد به فوتبال در دوره مسعود سلطانی‌فر گرفته نشده است؟ هنوز از داستان بحثبرانگیز متواری‌شدن مهدی شریفی‌نیک‌نفس زمان زیادی نمی‌گذرد؛ نه آن‌قدر زیاد که فراموش شود چه آدم‌هایی از طریق وزارت ورزش قصد ورود به فوتبال را داشته‌اند. شاید برای یادآوری بد نباشد یک‌بار دیگر گزارشی که باشگاه خبرنگاران در این زمینه نوشت، مرور شود: «انتخابات هیئت‌مدیره

جدید باشگاه استقلال در تاریخ سیزدهم بهمن‌ماه ۹۸ برگزار شد و با حکم سلطانی‌فر، وزیر ورزش و جوانان، فردی به نام مهدی شریفی‌نیک‌نفس به‌عنوان یکی از اعضای جدید هیئت‌مدیره این باشگاه تهرانی معرفی شد. اما این عضو جدید باشگاه استقلال گویا یکی از متهمان فراری فساد کلان اقتصادی است و او با همکاری عده‌ای توانسته از کشور فرار کند و به امارات برود. او در پرونده شش میلیارد و ۶۵۶ میلیون‌یورویی پتروشیمی و کاتالیست‌های تقلبی نقش داشته و به همین دلیل هم‌اکنون از کشور متواری شده است. در پرونده پتروشیمی نام ۱۴ متهم به چشم می‌خورد که برای آنها کیفرخواست صادر شده و بر اساس این کیفرخواست اتهام این افراد مشارکت و معاونت در اخلال کلان اقتصادی در حوزه پتروشیمی است. مهدی شریفی‌نیک‌نفس با اطلاعی که داشته به بهانه دورزدن تحریم‌ها و پیگیری پرونده‌های پتروشیمی از کشور خارج شد و با ققت در پرونده او می‌توان متوجه شد که کارشناس پرونده از فرار او مطلع بوده، از سوی دیگر متأسفانه بازپرس متهم علی‌رغم تأکیدات انجام‌گرفته او را ممنوع‌الخروج نکرده و بدون آنکه قرار وثیقه صادره درخصوص متهم را تقلیل دهد، با دستور غیرقانونی چهار میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان از وثایق او را هم رفع بازداشت کرد. مشخص نیست با وجود آنکه او جزء متهمان بوده، وزیر ورزش چگونه برای او حکم عضویت هیئت‌مدیره در یکی از پرطرفدارترین تیم‌های فوتبال کشور را صادر کرده است؟»

حالا که وزیر ورزش به این نتیجه رسیده برای اصلاح برخی امور در فوتبال بهتر است پای وزارت اطلاعات به میان بیاید تا جلوی دلال‌ها را بگیرد، بد نیست یکی، دو بند دیگر هم به درخواستش اضافه کند؛ از وزارت اطلاعات بخواهد به مدیریت ورزش و فوتبال ورود کند، مباحث مربوط به اسپانسرینگ بحث‌برانگیز در باشگاه‌ها را زیر ذره‌بین قرار دهد، شیوه بستن قرارداد با مربیان خارجی از جمله مارک ویلموتس را بررسی کند و دست‌آکر اثر راغب بودند، به شایعاتی مبنی‌بر استفاده از رانت و نفوذ فرزندان مدیران در ورزش و البته فوتبال بپردازند!

ناهید کیانی، ملی‌پوش تکواندوی ایران، در گفت‌وگو با «شرق»

چه کسی گفته کیمیا به خاطر همسرش مهاجرت کرده است؟



تأیث کتم که هیچ چیز حتی کرونا نمی‌تواند مانع رسیدن من به المپیک شود. همه‌جوره می‌جنگم تا به المپیک برسم. دلم می‌خواهد آن‌قدر آماده باشم که بدون هیچ حرف‌وحديثی همه رقبایم را در تیم ملی پشت سر بگذارم و یکی از دو نماینده ایران در رقابت‌های انتخابی المپیک باشم». دارنده مدال برنز بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا درباره سطح کیفی رقابت‌های انتخابی قاره آسیا توضیح می‌دهد: «از آنجا که تکلیف سهمیه‌های چین و کره از طریق رنکینگ جهانی برای بازی‌های المپیک مشخص شده، شرایط کسب سهمیه برای ما در قاره آسیا خیلی بهتر شده است. البته این به معنای آن نیست که کار آسانی داریم. بعضی از نفرات هستند که با اختلاف بسیار کمی و با یک غفلت، سهمیه را از طریق رده‌بندی جهانی از دست می‌دهند و آنها هم باید در رقابت‌های قاره‌ای شانس خودشان را امتحان کنند. ان‌شاءالله که ایران هم بتواند در این مسابقات شگفتی‌ساز شود و برای اولین بار به دو سهمیه المپیک در بخش بانوان دست پیدا کند». در بازی‌های المپیک دوره قبل (۲۰۱۶ ریودوژانیرو) کیمیا

علیزاده توانست در همین رقابت‌های قهرمانی با کسب عنوان قهرمانی المپیک شود و برای نخستین بار ورزش زنان ایران را در بازی‌های المپیک صاحب مدال کند. کیمیا اما حالا دیگر در ترکیب تیم ملی حضور ندارد و با مهاجرت به آلمان می‌خواهد برای تیم ملی این کشور مبارزه کند. بی‌شک جای خالی این بانوی افتخارآفرین در تیم ملی تکواندو بانوان در آستانه المپیک توکیو احساس خواهد شد. کیانی دراین‌باره می‌گوید: «ما به همه مردم قول می‌دهیم که جای خالی کیمیا را در تیم ملی تکواندوی بانوان پر کنیم و در رقابت‌های انتخابی المپیک خوب ظاهر شویم. از مردم می‌خواهد که هیچ‌وقت کیمیا را قضاوت نکنند؛ من دوست صمیمی کیمیا هستم و هرروز با او در ارتباط هستم. این مدت حرف‌های زیادی درباره کیمیا زده شده و خیلی او را قضاوت کردند. می‌خواهم بگویم که هیچ‌کدام از این حرف‌ها درست نیست. خیلی‌ها گفتند کیمیا به خاطر همسرش ایران را ترک کرده و رفته اما هیچ‌کدام از حرف‌ها درست نیست. هر انسانی این حق را دارد که آزادانه تصمیم بگیرد و هرکجا دلش خواست زندگی کند. کیمیا از افتخارات ورزش ایران است». اظهارات ناهید کیانی درباره علیزاده در حالی است که مهرو کمرانی، سرمربی تیم ملی تکواندو چندی پیش در گفت‌وگو با «شرق» تأکید داشت که کیمیا به خاطر همسرش تغییر تابعیت داد. او گفته بود: «کیمیا یک اسطوره بود. بازیکنی بود که در بدترین شرایط جسمی با داشتن آسیب‌دیدگی، تلاش کرد تا مدال جهان و المپیک را بگیرد. ما نمی‌توانیم به‌سادگی از کنار این موضوع عبور کنیم. او بانوی تاریخ‌ساز ورزش ایران بوده و همیشه برای ما عزیز است. او انگیزه زیادی به دختران تکواندوکار داد. اما خب به‌رحال او متاهل است و همسرش تصمیم گرفت که از ایران بروند. اگر به خود کیمیا بود، این کار را نمی‌کرد؛ چراکه کیمیا همین چندوقت پیش سهمیه میکس تیمی را گرفت. اگر می‌خواست مهاجرت کند، اصلاً در این رقابت‌ها شرکت نمی‌کرد تا برای سهمیه تلاش کند».

ورزش

خبر

از خرید بلیت بیزینس هواپیما تا پرداخت اجاره منزل معاون

● انتشار سندی از دستور جلسه هیئت‌مدیره استقلال نشان می‌دهد چگونه می‌شود که این باشگاه مردمی و بزرگ با مشکلات گسترده‌ای مواجه شده و نمی‌تواند به جایگاه واقعی خود برسد. به گزارش فارس، روز گذشته بود که وزیر ورزش و جوانان در نامه‌ای به وزارت اطلاعات خواستار برخورد با مفسدان فوتبال شد. او در این نامه تأکید کرد برخی واسطه‌ها با آوردن بازیکنان خارجی به فوتبال ایران فضای ناسالمی را در این رشته به وجود آورده‌اند. از طرفی طی هفته‌های اخیر اسناد و مدارک مهمی درخصوص جابه‌جایی بازیکنان و هزینه‌های هنگفتی که از بیت‌المال برای آنها داده شده، در رسانه‌های مختلف منتشر شد. شاید به همین دلیل مسعود سلطانی‌فر خواستار مبارزه جدی وزارت اطلاعات با این موضوع شده است. یکی از باشگاه‌هایی که طی سال‌های اخیر حرف‌وحديث‌های زیادی در مورد نحوه جابه‌جایی بازیکنان و همچنین شیوه اداره‌اش مطرح شده، استقلال است؛ باشگاهی که علاوه‌بر ورود جدی نهادهای نظارتی برای بحث ورود و خروج بازیکنانش، باید به چگونگی کارکرد مدیران آن هم ورود جدی کرد. نکته عجیب‌تر از عقد قرارداد با نحوه پایان همکاری با مربیان و بازیکنان این تیم، نظارت روی عملکرد مدیران است؛ به‌طورمثال، چرا مدیرعامل با معاون ورزشی یک باشگاه که زیان‌ده محسوب می‌شود و زیر نظر دولت فعالیت می‌کند، باید از بلیت بیزینس‌کلاس برای سفرهای خود استفاده کند؟ عجیب‌تر اینجاست که هیئت‌مدیره وقت نیز با این موضوع موافقت کرده؛ آن هم در شرایطی که مدیران باشگاه‌های دولتی و به‌خصوص استقلال و پرسپولیس باید در حفظ سرمایه‌های این باشگاه‌ها متفاوت‌تر از دیگران عمل کنند. سؤال دیگر این است که چرا باید معاون ورزشی استقلال منزلی را که در اختیار سرور جباروف (بازیکن وقت تیم) بوده در اختیار بگیرد؟ این در حالی است که شنیده می‌شود اجاره این واحد مسکونی، رقمی قابل‌توجه و چندده‌میلیونی بوده است. آیا باشگاه موظف است برای اجاره‌بهای محل سکونت معاون ورزشی خود، چنین مبلغ قابل‌توجهی را صرف کند؟ چنین هزینه‌گردهایی بر چه مینا و اصول مدیریتی‌ای صورت گرفته است؟ البته این موضوع را باید از این منظر نیز بررسی کرد که مگر یک مدیر میانی در باشگاهی مانند استقلال، چه آورده و عملکردی داشته که چنین هزینه‌ای برایش صورت می‌گیرد؟ پرسشی که وقتی در آن مذاقه می‌شود، نشان می‌دهد که این تصمیم، چقدر غیرمتعارف و نادرست بوده است.

تصادف ساختگی وزنده‌شدن مجدد نام بازیکن استقلال!

● ماجرای فوت «هاینیک کامبا،» بازیکن کنگویی که حالا مشخص شده زنده و سالم است، یادآور اتفاقی است که برای بازیکن سابق استقلال افتاد، به گزارش مهر، در سال ۲۰۱۶ گزارش شد که هاینیک کامبا، بازیکن کنگویی، در کشورش دچار سانحه رانندگی شده و جانش را از دست داده است. خبر مرگ این بازیکن که سابقه بازی در تیم دوم شالکه آلمان را در کارنامه دارد، در همان سال بازتاب زیادی داشت. اما اتفاق عجیب زمانی رخ داد که رسانه‌های آلمانی بعد از گذشت حدود چهار سال اعلام کردند این بازیکن زنده است. خبر زنده‌بودن کامبا سروصدای زیادی در رسانه‌های دنیا به‌پا کرده و خیلی‌ها او و همسرش را به کلاهبرداری و استفاده از بیمه بعد از مرگ این بازیکن متهم کرده‌اند. ماجرای تصادف و اعلام خبر فوت کامبا شباهت زیادی به اتفاقی دارد که در سال ۲۰۱۸ برای «جی لوید ساموئل»، بعضی بازیکن سابق استقلال افتاد. ساموئل بعد از بازی در استقلال و پیکان، ایران را ترک کرد و به تیم اگرتون انگلیس رفت. اتومبیل او در ماه می ۲۰۱۸ در منطقه چشایر در شمال‌غربی انگلستان، جایی بین منجستر و مرسی‌ساید بعد از پیاده‌کردن فرزندش مقابل مدرسه با یک کامیون برخورد کرده و ساموئل فوت می‌کند. این خبری بود که بلافاصله در رسانه‌های انگلیس منتشر شد، اما با گذشت چند ماه خبر درگذشت ساموئل ابعاد جدیدی به خود گرفت و هنوز هم یکی از پرونده‌های مهم مرگ‌ومیر در انگلیس است که مردم ایران هم گهگاه از آن سراغ می‌گیرند. مرگ ساموئل ابتدا با ادعای خواهر و مادر و سپس همسر ایرانی‌اش مورد تردید قرار گرفت. خواهر ساموئل مدعی بود که برادرش زنده است و همسر ساموئل را متهم کرد که به‌خاطر کلاهبرداری از بیمه، دست به صحنه‌سازی زده است. در همان اثنا، همسر ایرانی ساموئل هم مدعی شد آزمایش DNA انجام‌شده روی ساموئل متعلق به این بازیکن نبوده است و این اتفاق به صحنه‌سازی شاهوت بیشتر دارد. بعضی از رسانه‌های دنیا هم امروز ضمن انعکاس خبر درگذشت کامبا، به ماجرای مرگ مشکوک ساموئل اشاره کرده‌اند. سایت فرانسوی «football» نوشت: «درحالی‌که گمان می‌رفت کامبا در یک تصادف رانندگی در کنکو گشته شده باشد، اکنون زنده یافته شده است. این یک داستان باورنکردنی است؛ بازیکن سابق یادآور داستان جی لوید ساموئل است؛ بازیکن سابق لیگ برتر انگلیس که برای بولتون و استون‌ویلا بازی می‌کرد، در ماه می ۲۰۱۸ در یک تصادف رانندگی فوت کرد؛ این چیزی است که خانواده او، همسر ساموئل را متهم می‌کنند که این مرگ را برای دریافت بیمه عمر شیوه‌سازی کرده است».